



تحلیل چگونگی بازنمایی عناصر فرهنگ‌ویژه در ترجمه داستان «مدیر مدرسه» بر اساس الگوی ترجمه فرهنگی پیترو نیومارک

شکوفه مقدم^۱

shkfmoghaddam@gmail.com



MDOI-02-2026.0047
MNR-48-2-EBC5D1



چکیده

ترجمه متون ادبی، به‌ویژه انتقال «عناصر خاص فرهنگی»، از پیچیده‌ترین مباحث در مطالعات ترجمه است؛ زیرا مترجم نه تنها با تفاوت‌های ساختاری دو زبان، بلکه با گسل‌های عمیق فرهنگی میان زبان مبدأ و مقصد مواجه است. پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی بازنمایی این عناصر، ترجمه عربی رمان «مدیر مدرسه» اثر جلال آل احمد را با تکیه بر مدل پیشنهادی پیترو نیومارک واکاوی می‌کند. روش پژوهش در این مطالعه توصیفی-تحلیلی است که در آن معادل‌های برگزیده در ترجمه عربی با متن اصلی تطبیق داده شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مترجم در رویارویی با اصطلاحات فرهنگی (شامل مقولات اجتماعی، اشارات دینی و باورهای عامیانه)، از راهکارهایی نظیر «هم‌ارزی فرهنگی»، «توصیف»، «وام‌گیری» و «حذف» بهره جسته است. نتایج تحلیل‌ها حاکی از آن است که اگرچه در برخی موارد، فشارهای بافتی موجب تقلیل بار معنایی یا تغییر بافت فرهنگی شده است، اما مترجم توانسته است با استفاده از ظرفیت‌های زبانی زبان مقصد، پیوند ساختاری مناسبی میان فضای ذهنی داستان آل احمد و مخاطب عرب‌زبان برقرار کند. در نهایت، این پژوهش با تبیین کارآمدی نظریه نیومارک در تحلیل ترجمه‌های ادبی، بر اهمیت «آگاهی بین‌فرهنگی» مترجم به‌عنوان عنصری تعیین‌کننده در حفظ هویت اثر مبدأ تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی

ترجمه فرهنگی، عناصر فرهنگ‌ویژه، بازنمایی فرهنگی، راهبردهای ترجمه، پیترو نیومارک، مدیر مدرسه

مقدمه

ترجمه ادبی، امروزه دیگر صرفاً به مثابه فرایندی زبانی و مبتنی بر جابه جایی واژگان و ساختارهای نحوی از یک زبان به زبان دیگر تلقی نمی شود، بلکه به عنوان کنشی فرهنگی، تفسیری و بینامتنی شناخته می شود که در آن، مترجم نقشی فراتر از انتقال دهنده صرف معنا بر عهده دارد. متن ادبی، به ویژه در بستر روایت، حامل شبکه ای پیچیده از مؤلفه های زبانی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و ایدئولوژیک است که هر یک در شکل گیری معنا سهمی تعیین کننده دارند. از این منظر، ترجمه ادبی نه فقط انتقال صورت زبانی متن، بلکه بازآفرینی جهان معنایی و فرهنگی آن در زبان مقصد است. در چنین فرایندی، یکی از مهم ترین و در عین حال چالش برانگیزترین مسائل، مواجهه مترجم با عناصر فرهنگ ویژه است؛ عناصری که ریشه در زیست جهان، نظام ارزشی، سنت ها، نهادها، باورها و تجربه های فرهنگی جامعه مبدأ دارند و اغلب در زبان مقصد معادلی مستقیم، شفاف و بی واسطه نمی یابند.

عناصر فرهنگ ویژه در متون ادبی، صرفاً واژگان یا تعبیر منفرد نیستند، بلکه اغلب بخشی از نظام دلالتی متن را شکل می دهند و به واسطه آن ها، لایه هایی از هویت فرهنگی، حافظه جمعی، روابط اجتماعی و جهان بینی حاکم بر متن آشکار می شود. از همین رو، ترجمه این عناصر، یکی از حساس ترین حوزه های مطالعات ترجمه به شمار می آید. مترجم در برخورد با این عناصر، ناگزیر از انتخاب میان راهبردهای گوناگون است؛ راهبردهایی که هر یک می توانند بر نحوه ادراک مخاطب از متن، میزان حفظ بیگانگی یا آشنایی فرهنگی، و نیز کیفیت انتقال مفاهیم و دلالت های نهفته در اثر تأثیر بگذارند. در نتیجه، ترجمه عناصر فرهنگ ویژه را نمی توان صرفاً امری واژگانی یا معادل یابی ساده دانست، بلکه باید آن را کنشی تفسیری و تصمیم محور تلقی کرد که به شدت تحت تأثیر دانش مترجم، رویکرد ترجمه ای او و چارچوب نظری حاکم بر کار او قرار دارد.

در این میان، مطالعات ترجمه در دهه های اخیر نشان داده اند که فرهنگ، نه عنصری حاشیه ای، بلکه یکی از کانونی ترین مؤلفه های فرایند ترجمه است. همین چرخش از زبان محوری به فرهنگ محوری سبب شده است که نظریه های ترجمه نیز بیش از پیش به چگونگی انتقال و بازنمایی فرهنگ در متن مقصد توجه نشان دهند. در این رویکرد، مترجم نه تنها با ساختارهای زبانی، بلکه با نظامی از نشانه ها، ارزش ها و رموزگان فرهنگی سر و کار دارد که باید آن ها را در متن مقصد بازآرایی کند. از این منظر، ترجمه نوعی میانجی گری فرهنگی است که در آن، مترجم می کوشد ضمن وفاداری به بافت فرهنگی متن مبدأ، امکان درک، دریافت و ارتباط را برای مخاطب زبان مقصد نیز فراهم کند. این وضعیت به ویژه در ترجمه آثار ادبی برجسته تر می شود؛ زیرا در آثار ادبی، زبان خود به مثابه ظرف فرهنگ عمل می کند و هر واژه، تعبیر یا تصویر می تواند حامل دلالت هایی فراتر از معنای ظاهری خود باشد.

پیتر نیومارک از جمله نظریه پردازانی است که در حوزه ترجمه، به ویژه در نسبت میان زبان و فرهنگ، دیدگاه های اثرگذاری ارائه کرده است. اهمیت نیومارک در مطالعات ترجمه از آن روست که با رویکردی نسبتاً نظام مند، کوشیده است عناصر فرهنگی را شناسایی، دسته بندی و برای ترجمه آن ها راهکارهایی پیشنهاد کند. از دیدگاه او، ترجمه زمانی می تواند در انتقال معنا موفق باشد که نسبت به مؤلفه های فرهنگی متن حساس باشد و مترجم بتواند با تشخیص جایگاه این عناصر، راهبردی متناسب برای بازنمایی آن ها در زبان مقصد برگزیند. توجه نیومارک به اقلام فرهنگی، واژگان خاص فرهنگی و شیوه های انتقال آن ها باعث شده است الگوی او در بسیاری از پژوهش های ترجمه، به ویژه در زمینه ترجمه ادبی و فرهنگی، به عنوان چارچوبی کاربردی و قابل اتکا مورد استفاده قرار گیرد. از این رو، بهره گیری از الگوی ترجمه فرهنگی نیومارک می تواند امکان تحلیل دقیق تر تصمیم های مترجم در مواجهه با عناصر فرهنگ ویژه را فراهم آورد.

یکی از زمینه های مهم برای مطالعه چگونگی ترجمه عناصر فرهنگی، آثار ادبی معاصر فارسی است؛ آثاری که اغلب بازتاب دهنده ساختارهای اجتماعی، روابط قدرت، نهادهای فرهنگی، شیوه های زیست و ذهنیت تاریخی جامعه ایرانی هستند. در این میان، داستان



«مدیر مدرسه» جایگاهی ممتاز دارد. این اثر، افزون بر ارزش ادبی و جایگاه آن در ادبیات داستانی معاصر، متنی است سرشار از نشانه‌های فرهنگی، اجتماعی و انتقادی که لایه‌های مختلفی از واقعیت جامعه ایرانی را بازتاب می‌دهد. زبان اثر، در عین سادگی ظاهری، واجد دلالت‌های عمیق فرهنگی و اجتماعی است و همین امر ترجمه آن را به فرایندی ظریف و چندلایه بدل می‌سازد. در «مدیر مدرسه»، عناصر فرهنگی تنها در سطح واژگان یا اصطلاحات محدود باقی نمی‌مانند، بلکه در بافت کلی روایت، در روابط میان شخصیت‌ها، در نوع نگاه به نهاد آموزش، در بازتاب ساختارهای اداری و اجتماعی، و در لحن و فضای حاکم بر متن نیز حضور می‌یابند.

از این منظر، ترجمه داستان «مدیر مدرسه» صرفاً انتقال یک روایت از فارسی به زبانی دیگر نیست، بلکه انتقال بخشی از تجربه زیسته، فضای اجتماعی و نظام فرهنگی نهفته در متن است. هرگونه تغییر، حذف، ساده‌سازی یا بومی‌سازی عناصر فرهنگ‌ویژه در ترجمه این اثر، می‌تواند بر نحوه دریافت مخاطب مقصد از متن، شخصیت‌ها، فضا و حتی پیام اجتماعی داستان اثر بگذارد. بنابراین، تحلیل ترجمه این داستان بر اساس یک چارچوب نظری مشخص، نه تنها به شناسایی راهبردهای مترجم یاری می‌رساند، بلکه امکان ارزیابی میزان موفقیت ترجمه در حفظ یا بازسازی لایه‌های فرهنگی متن مبدأ را نیز فراهم می‌سازد. این امر به‌ویژه زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که متن مورد مطالعه، همچون «مدیر مدرسه»، پیوندی عمیق با بافت اجتماعی و فرهنگی خاصی داشته باشد و بخش مهمی از بار معنایی آن از خلال همین پیوند شکل گرفته باشد.

پژوهش در زمینه بازنمایی عناصر فرهنگ‌ویژه در ترجمه آثار ادبی، از چند جهت حائز اهمیت است. نخست آنکه چنین پژوهش‌هایی به روشن شدن سازوکارهای ترجمه در سطحی فراتر از زبان کمک می‌کنند و نشان می‌دهند که مترجم چگونه میان وفاداری به متن مبدأ و قابل فهم‌سازی آن برای مخاطب مقصد تعادل برقرار می‌کند. دوم آنکه این نوع مطالعات، امکان ارزیابی عملی نظریه‌های ترجمه را فراهم می‌آورند و نشان می‌دهند که یک الگوی نظری تا چه اندازه در مواجهه با متن‌های واقعی کارآمد است. سوم آنکه تحلیل عناصر فرهنگ‌ویژه در ترجمه متون ادبی فارسی می‌تواند به غنای مطالعات ترجمه فارسی‌پژوهانه یاری رساند و افق‌های تازه‌ای را برای شناخت رابطه میان ادبیات، فرهنگ و ترجمه بگشاید. در این زمینه، بررسی داستان «مدیر مدرسه» بر اساس الگوی نیومارک، افزون بر آنکه ارزش کاربردی دارد، می‌تواند به تعمیق فهم نظری از نسبت میان ترجمه و فرهنگ نیز کمک کند.

از سوی دیگر، اهمیت این پژوهش در آن است که ترجمه ادبی در بسیاری از موارد، نخستین و گاه تنها مجرای مواجهه مخاطب غیرایرانی با ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی است. بر این اساس، نحوه انتقال عناصر فرهنگ‌ویژه در ترجمه یک اثر ادبی، تأثیری مستقیم بر تصویری دارد که از فرهنگ مبدأ در ذهن مخاطب مقصد شکل می‌گیرد. اگر این عناصر به‌درستی بازنمایی نشوند، ممکن است بخشی از هویت فرهنگی متن مخدوش، تقلیل یافته یا دگرگون شود. بنابراین، تحلیل چگونگی بازنمایی این عناصر در ترجمه، صرفاً مسئله‌ای فنی یا سبکی نیست، بلکه به مسئله‌ای معرفتی و فرهنگی نیز بدل می‌شود. از این منظر، مترجم در جایگاه میانجی فرهنگی، نقشی فعال در شکل‌دهی به ادراک بین فرهنگی بر عهده دارد و مطالعه تصمیم‌های او می‌تواند شناختی دقیق‌تر از فرایند انتقال فرهنگی در ترجمه به دست دهد.

در چنین چارچوبی، پژوهش حاضر بر آن است تا با تکیه بر الگوی ترجمه فرهنگی پیتر نیومارک، چگونگی بازنمایی عناصر فرهنگ‌ویژه در ترجمه داستان «مدیر مدرسه» را بررسی کند. این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که مترجم در مواجهه با این عناصر از چه شیوه‌ها و راهبردهایی بهره گرفته، این راهبردها تا چه اندازه با الگوی نظری نیومارک همخوانی دارند، و در نهایت، این انتخاب‌ها چه تأثیری بر انتقال بار فرهنگی و معنایی متن داشته‌اند. به بیان دیگر، پژوهش حاضر در پی آن است که از رهگذر تحلیل ترجمه این اثر، هم عملکرد مترجم را در بازنمایی عناصر فرهنگ‌ویژه روشن سازد و هم میزان کارآمدی الگوی نیومارک را در تبیین این فرایند بیازماید.



بر این اساس، مطالعه حاضر می‌تواند از دو حیث دارای اهمیت باشد: از یک سو، در سطح کاربردی، به تحلیل یکی از آثار مهم ادبیات معاصر فارسی از منظر ترجمه فرهنگی می‌پردازد؛ و از سوی دیگر، در سطح نظری، ظرفیت الگوی پیتر نیومارک را در تحلیل ترجمه عناصر فرهنگ‌ویژه می‌سنجد. حاصل چنین پژوهشی می‌تواند درک دقیق‌تری از چالش‌های ترجمه ادبی، سازوکارهای بازنمایی فرهنگ در متن مقصد، و نقش مترجم در انتقال دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی یک اثر ادبی به دست دهد. از این رو، می‌توان گفت که پژوهش حاضر تلاشی است برای پیوند زدن میان نظریه ترجمه فرهنگی و تحلیل متن ادبی، با هدف روشن ساختن یکی از مهم‌ترین ابعاد ترجمه ادبی، یعنی بازنمایی فرهنگ در فرایند ترجمه.

پرسش‌های تحقیق

۱. چه عناصر فرهنگ‌ویژه‌ای در داستان «مدیر مدرسه» قابل شناسایی است و این عناصر بر اساس الگوی پیتر نیومارک چگونه طبقه‌بندی می‌شوند؟
۲. مترجم در ترجمه عناصر فرهنگ‌ویژه این اثر از چه راهبردهایی استفاده کرده است؟
۳. این راهبردها تا چه میزان در انتقال و بازنمایی دلالت‌های فرهنگی متن مبدأ موفق بوده‌اند؟

بیان مسئله

ترجمه ادبی یکی از پیچیده‌ترین شاخه‌های مطالعات ترجمه است؛ زیرا در این نوع ترجمه، مترجم تنها با انتقال واژگان و ساختارهای زبانی مواجه نیست، بلکه باید لایه‌های معنایی، فرهنگی، اجتماعی و گاه تاریخی متن مبدأ را نیز به زبان مقصد منتقل کند. در این میان، عناصر فرهنگ‌ویژه از مهم‌ترین چالش‌های فراروی مترجم به شمار می‌آیند؛ عناصری که ریشه در بافت فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی و زیستی یک جامعه دارند و در بسیاری از موارد، معادل مستقیم و دقیق آن‌ها در زبان مقصد وجود ندارد. از این رو، نحوه بازنمایی این عناصر در ترجمه، تأثیر بسزایی در حفظ هویت فرهنگی متن، انتقال دلالت‌های ضمنی، و میزان درک‌پذیری اثر برای مخاطب مقصد دارد.

در سال‌های اخیر، توجه به فرهنگ در مطالعات ترجمه، جایگاه ویژه‌ای یافته و بسیاری از نظریه‌پردازان ترجمه کوشیده‌اند چارچوب‌هایی برای تحلیل و تبیین نحوه انتقال عناصر فرهنگی ارائه دهند. در این میان، پیتر نیومارک با ارائه دیدگاهی نسبتاً منسجم درباره واژه‌ها و عناصر فرهنگی، یکی از چهره‌های برجسته در این حوزه به شمار می‌رود. الگوی او به دلیل دسته‌بندی عناصر فرهنگی و نیز ارائه راهبردهایی برای ترجمه آن‌ها، بستری مناسب برای تحلیل ترجمه متون ادبی فراهم می‌سازد. بر همین اساس، بهره‌گیری از الگوی ترجمه فرهنگی نیومارک می‌تواند به شناسایی دقیق‌تر عناصر فرهنگ‌ویژه و بررسی شیوه بازنمایی آن‌ها در متن مقصد کمک کند.

داستان «مدیر مدرسه» به عنوان یکی از آثار شاخص ادبیات داستانی معاصر فارسی، از ظرفیت بالایی برای مطالعه در این حوزه برخوردار است. این اثر افزون بر ارزش ادبی، بازتاب‌دهنده بخشی از مناسبات اجتماعی، فرهنگی و نهادی جامعه ایرانی است و در لایه‌های مختلف آن می‌توان عناصر فرهنگ‌ویژه متعددی را مشاهده کرد. این عناصر، چه در سطح واژگان و اصطلاحات و چه در سطح روابط، موقعیت‌ها و فضاها، نقش مهمی در شکل‌گیری معنای متن دارند. از این رو، ترجمه این اثر تنها انتقال یک روایت داستانی نیست، بلکه بازنمایی بخشی از زیست‌جهان فرهنگی جامعه مبدأ در زبان مقصد است.



مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که عناصر فرهنگ‌ویژه موجود در داستان «مدیر مدرسه» در ترجمه چگونه بازنمایی شده‌اند و مترجم برای انتقال این عناصر از چه راهبردهایی استفاده کرده است. همچنین این پژوهش در پی آن است که با تکیه بر الگوی پیتر نیومارک، میزان موفقیت ترجمه را در حفظ و انتقال دلالت‌های فرهنگی متن مبدأ بررسی کند. اهمیت این مسئله از آن‌جا ناشی می‌شود که هرگونه کاستی، حذف، تعدیل یا جایگزینی نامناسب در ترجمه عناصر فرهنگ‌ویژه، می‌تواند به تغییر در دریافت مخاطب از متن، کاهش بار فرهنگی اثر و حتی دگرگونی تصویر ارائه‌شده از فرهنگ مبدأ بینجامد.

بنابراین، پژوهش حاضر می‌کوشد با شناسایی و طبقه‌بندی عناصر فرهنگ‌ویژه در داستان «مدیر مدرسه» و تحلیل شیوه‌های ترجمه آن‌ها بر اساس الگوی نیومارک، چگونگی بازنمایی این عناصر را در ترجمه بررسی کند. این مطالعه می‌تواند از یک سو به فهم بهتر چالش‌های ترجمه ادبی و فرهنگی یاری رساند و از سوی دیگر، کارآمدی الگوی نیومارک را در تحلیل ترجمه آثار ادبی فارسی نشان دهد. در نتیجه، این پژوهش تلاشی است در جهت روشن‌ساختن نحوه مواجهه مترجم با عناصر فرهنگ‌ویژه و ارزیابی میزان موفقیت او در انتقال هویت فرهنگی متن به زبان مقصد.

پیشینه پژوهش

امروزه پژوهش‌های بسیاری در حوزه مطالعات ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس بر اساس رویکردها و نظریات نوین ترجمه انجام شده است، که برخی از آن‌ها به دلیل نزدیکی بیشتر به موضوع جستار حاضر ذکر می‌گردد.

روشنفکر و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای «چالش‌های ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی در رمان اللص و الکلاب نجیب محفوظ: مقایسه‌ی دو ترجمه با تکیه بر چارچوب نظری نیومارک» تلاش کرده‌اند تا بخشی از چالش‌های ترجمه مقوله‌های فرهنگی را در ترجمه‌ی رمان مذکور بررسی کنند و مثال‌هایی برای نمونه ذکر کرده‌اند.

ترکاشوند و قائمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت‌عنوان «چالش‌های بافت فرهنگی در ترجمه ادبی از فارسی به عربی: با تمرکز بر گلستان سعدی و روضه‌الورد» به جستجو و تحلیل واژگان گفتمان‌مدار در گلستان سعدی و ترجمه‌ی عربی آن از محمدالفراتی پرداخته‌اند. یافته‌های این جستار نشان داده است که برخی واژگان همچون «زند»، «درویش» و ... با توجه به بافت و گفتمان فرهنگی گلستان سعدی به‌نوعی نقش القاکننده‌ی معانی ژرف برخاسته از فرهنگ فردی اشاره دارند.

محمدی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به‌نام «تحلیل گفتمانی تغییر عناصر فرهنگی - اجتماعی در ترجمه از زبان واسطه‌ی عشق با صدای بلند» به تحلیل گفتمان یا سخن‌کاوی متن اصلی و متن ترجمه‌ی مجموعه‌ی «عشق با صدای بلند» پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داده است که در این ترجمه، در گفتمان‌هایی چون ملی - قومی، سیاسی، ساختارشکن و دینی تغییراتی چون حذف، انتخاب برابر نهاد نامناسب و گاهی تغییرات از بین بردن تنش موجود در متن اصلی به‌شکلی آگاهانه صورت گرفته است.

رحیمی خویگانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «ترجمه عربی مقوله‌های فرهنگی داستان فارسی شکر است از محمدعلی جمال‌زاده بر اساس نظریه‌ی نیومارک» با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و نقد چگونگی انتقال عناصر فرهنگی داستان فارسی شکر است بر اساس الگوی نیومارک پرداخته است. یافته‌های این جستار حاکی از آن است که داستان مذکور، تمام پنج مقوله فرهنگی نیومارک را دارد و مترجم برای ترجمه‌ی این داستان، بیشتر از راهکار «معادل فرهنگی» سود جست است و بدین صورت ترجمه‌ای مخاطب‌محور ارائه کرده است.



نظری و جلالی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به نام «تحلیل معادل‌گزینی عناصر فرهنگی رمان بوف کور در ترجمه به عربی باتکیه بر رویکرد ایویر» با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی شیوه‌های ترجمه عناصر فرهنگی رمان بوف کور به زبان عربی، باتکیه بر رویکرد ایویر پرداخته‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که مترجم در بیشتر موارد فرهنگی ترجیح داده است باشیوه جایگزینی به معادل‌یابی بپردازد که در برخی موارد با کاستی همراه بوده است و صرفاً زمانی توفیق یافته است که از روش تلفیقی به‌ویژه در افزودن به پاورقی بهره جسته است.

نورسیده و سلمانی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «نقد ترجمه عربی عادل عبدالمنعم سویلیم از رمان مدیر مدرسه در پرتو نظریه وینه و داربلنه» به نقد تعریب این داستان پرداخته‌اند. در این جستار با تکیه بر الگوی این دو زبان‌شناس فرانسوی، وینی و داربلنه، نمونه‌هایی از متن کتاب انتخاب و مورد ارزیابی قرار گرفته است که مقوله‌های فرهنگی داستان مورد اهتمام نبوده است.

«اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی ترجمه‌ی عربی عناصر فرهنگی داستان مدیر مدرسه با تکیه بر نظریه‌ی نیومارک» به واکاوی چگونگی انتقال مؤلفه‌های فرهنگ‌ویژه در این اثر پرداخته‌اند. نویسندگان در این جستار، با بهره‌گیری از الگوی پنج‌گانه‌ی نیومارک، تلاش کرده‌اند راهکارهای اتخاذشده توسط مترجم را در مواجهه با چالش‌های فرهنگی استخراج کرده و ضمن طبقه‌بندی آن‌ها، میزان موفقیت ترجمه را در حفظ دلالت‌های فرهنگی متن مبدأ مورد ارزیابی قرار دهند.»

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مطالعات انجام‌شده درباره‌ی مدیر مدرسه، بر جنبه‌های فرهنگی، سبکی و ترجمه‌ای این اثر متمرکز بوده‌اند و اغلب تلاش کرده‌اند عناصر فرهنگی و چالش‌های انتقال آن‌ها را در زبان مقصد شناسایی و طبقه‌بندی کنند. با این حال، تأمل در این آثار نشان می‌دهد که هنوز در زمینه‌ی تحلیل منسجم راهبردهای ترجمه‌ای مترجم عربی و نیز بررسی پیامدهای معنایی و فرهنگی این انتخاب‌ها، جای کار وجود دارد. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر نظریه‌ی نیومارک، این خلأ را تا حد امکان برطرف کرده و تصویری دقیق‌تر از نحوه‌ی بازنمایی مؤلفه‌های فرهنگی در ترجمه‌ی عربی این رمان ارائه دهد.

شکاف پژوهشی و ضرورت انجام پژوهش حاضر

«مرور پیشینه پژوهش، به‌ویژه در آثار نقادانه‌ی انجام‌شده در باب رمان «مدیر مدرسه»، حاکی از آن است که رویکرد عموم این مطالعات، از جمله پژوهش اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۱)، عمدتاً بر «توصیف راهکارهای ترجمه» و «طبقه‌بندی عناصر فرهنگی بر اساس مدل نیومارک» متمرکز بوده است. اگرچه این دست‌یافته‌ها گامی مهم در شناخت چالش‌های انتقال فرهنگی محسوب می‌شوند، اما همچنان خلأهایی در تبیین «چرایی شکست یا موفقیت مترجم در انتقال دلالت‌های گفتمانی» و نیز «تحلیل پیامدهای ایدئولوژیک این انتخاب‌های ترجمه‌ای» به چشم می‌خورد.

پژوهش حاضر، ضمن ارج نهادن به یافته‌های مطالعات پیشین، با رویکردی انتقادی و با تکیه بر واکاوی عمیق‌تر «بافت فرهنگی-سیاسی» در متن مبدأ، فراتر از طبقه‌بندی‌های صرف زبانی گام برمی‌دارد. در واقع، نوآوری این جستار در آن است که با بهره‌گیری از یک چارچوب تحلیلی تلفیقی، نه تنها چگونگی انتقال عناصر فرهنگی را ارزیابی می‌کند، بلکه به بررسی این مسئله می‌پردازد که چگونه این راهکارهای ترجمه‌ای، در بازنمایی شخصیت «مدیر» و «فضای اجتماعی مدرسه» در زبان مقصد، دستخوش تغییر یا جابه‌جایی معنایی شده‌اند. این نگاه تحلیلی-انتقادی، با هدف پر کردن خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین و تبیین دقیق‌تر مناسبات قدرت و فرهنگ در ترجمه‌ی ادبی، انجام می‌گیرد.

مبانی نظری و روش پژوهش

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. داده‌های پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع نظری، مقالات علمی و متن اصلی رمان مدیر مدرسه و ترجمه عربی آن گردآوری شده است. در این پژوهش، عناصر فرهنگی موجود در متن مبدأ شناسایی و سپس معادل‌های به کاررفته برای آن‌ها در متن مقصد استخراج و بررسی می‌شوند. ملاک تحلیل داده‌ها، الگوی عناصر فرهنگی و راهبردهای ترجمه‌ای پیتیر نیومارک است. در نهایت، با مقایسه داده‌های به دست آمده، چگونگی انتقال عناصر فرهنگی و میزان موفقیت مترجم در بازنمایی آن‌ها ارزیابی می‌شود.

فرهنگ و تجلی آن در ترجمه

بنابر اهمیت فرهنگ در تعاملات بشری، تعاریف مختلفی از فرهنگ ذکر شده است که در این جستار، به فراخور موضوع آن و پرهیز از تکرار و اطناب، به تعریف نیومارک بسنده می‌شود. نیومارک فرهنگ را به روش زندگی و جلوه‌های خاص آن در زندگی بشر و وسیله‌ای برای بیان می‌داند و بین زبان فرهنگ، زبان جهانی و شخصیت تمییز قائل می‌شود (نیومارک، ۲۰۰۶: ۱۴۹). وی بر این باور است که مادامی که بین زبان مبدأ و مقصد از لحاظ فرهنگی هم‌پوشانی وجود نداشته باشد، در ترجمه واژگان فرهنگی یک فرهنگ خاص، دشواری‌ها آشکار می‌گردد (همان: ۱۵۰-۱۵۱).

اهمیت فرهنگ در علوم مختلفی همچون معناشناسی، گفتمان‌شناسی و ترجمه‌پژوهی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. فرهنگ در علم معناشناسی نیز در ذیل تقسیم‌بندی‌های مربوط به بافت ذکر شده است. در تقسیم‌بندی چهارگانه بافت، بافت فرهنگی در کنار بافت‌های زبانی، عاطفی و موقعیتی قرار گرفته است (ر.ک: عمر، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۶). منظور از بافت فرهنگی همان فضای اجتماعی و فرهنگی است که واژه در آن به کار می‌رود. در واقع، فرهنگ‌ها نقش بسزایی در شکل‌دهی و شناخت مدلول بر عهده دارند (ر.ک: مزبان، ۱۳۹۴: ۶۶). در گفتمان‌شناسی و گفتمان‌پژوهی نیز توجه به مقوله فرهنگ مطرح می‌باشد؛ چراکه گفتمان هر اثر در وهله نخست اشاره به زبان آن اثر دارد و در درجه دوم، به ارتباط زبان با جامعه، تاریخ، سیاست و فرهنگ و سایر عناصر می‌پردازد. به عبارت دیگر، در تحلیل گفتمان، هم به چارچوب متنی اثر؛ یعنی ماهیت سبکی و نحوی - معنایی آن پرداخته می‌شود و هم به چارچوب فرامتنی آن اثر؛ یعنی ماهیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن پرداخته می‌شود (ر.ک: محمدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۷-۵۸).

ترجمه نیز به مثابه علم و پلی برای ایجاد ارتباط بین فرهنگ‌های مختلف، اهمیت فراوانی در مطالعات ترجمه و فرهنگ پیدا کرده است؛ زیرا بدون ترجمه، هرگونه مبادله عناصر مادی و غیرمادی دو فرهنگ ناممکن است و وارد کردن یک عنصر فرهنگی در فرهنگ دیگر، مستلزم این است که صورت زبانی آن عنصر را نیز در زبان و فرهنگ مقصد وارد کنیم؛ بدین معنا که مترجم می‌بایست با روش‌ها و راهبردهای گوناگون به دنبال این باشد که برای عناصر خاص فرهنگ مبدأ، معادل‌هایی در زبان مقصد بیابد (ر.ک: علیزاده، ۱۳۸۹: ۵۶). به نقل از ایویر، ۱۹۸۷ و کاسنین، ۲۰۰۴: ۱۴۴). در واقع، از رهگذر ترجمه است که «مردمان سرزمینی می‌توانند با فرهنگ‌های بزرگ جهان آشنا شوند و چشم بر افق‌های دور دانش و اندیشه بدوزند. بنابراین، گاه ترجمه در تاریخ فرهنگ و اندیشه آدمی، مایه و انگیزه دگرگونی‌هایی بنیادین شده است» (کزازی، ۱۳۷۴: ۸۲). از این روست که به باور اغلب ترجمه‌پژوهان، جوهره فرایند ترجمه تنها بر برگردان واژگانی محدود نیست، بلکه در دل خود، انتقال فرهنگی را هم دربر دارد. به عبارت دیگر، مترجم باید تلاش کند متنی را که در یک فرهنگ زاده شده است، به فرهنگی شبیه آن یا فرهنگی کاملاً متفاوت برگرداند. مترجم، علاوه بر دوزبانه بودن، می‌بایست دوفرهنگه نیز باشد.



اهمیت ترجمه عناصر فرهنگی به اندازه‌ای است که بسیاری از ترجمه‌پژوهان، از جمله ایویر (۱۹۸۷)، چسترمن (۱۹۹۷)، نیومارک (۲۰۰۶)، پدرس (۲۰۰۷) و دیگران، ضمن بیان عناصر فرهنگی مؤثر در ترجمه، به ارائه راهکارهایی برای ترجمه این عناصر پرداخته‌اند که به دلیل تأکید این مقاله بر نظریه فرهنگی نیومارک، تنها به ذکر این عناصر و راهکارهای پیشنهادی نیومارک بسنده می‌شود.

زندگی نامه و مولفه های فرهنگی پیترنیومارک

پیترنیومارک در سال ۱۹۸۰ یکی از چهره های شاخص در بنیانگذاری مطالعات ترجمه است. کتاب دوره ی آموزشی فنون ترجمه از مهمترین کتاب های نیومارک به شمار می رود. از جمله پرطرفدارترین نظریات، درباره ی مسئله فرهنگ در فرایند ترجمه متعلق به نیومارک است.

نیومارک دو نوع اصلی ترجمه معرفی می‌کند (۱) ترجمه معنایی (۲) ترجمه ارتباطی

ترجمه معنایی: تمرکز روی متن مبدأ، سبک نویسنده و ساختار جمله ها

ویژگی های ترجمه معنایی: وفاداری زیاد به متن اصلی، آزادی کم مترجم. این نوع ترجمه مناسب برای متون ادبی، فلسفی، و تا حدودی شعر است.

ترجمه ارتباطی: تمرکز بیشتر بر خواننده زبان مقصد، فهم آسان و اثر گذاری متن است.

ویژگی های این نوع ترجمه آزادی بیشتر مترجم و طبیعی تر شدن متن است، ترجمه ارتباطی برای رمان، روزنامه، گفتگو ها و متون عمومی مناسب تر است.

نیومارک مقولات فرهنگی را در ۵ دسته تقسیم بندی می‌کند:

(۱) بوم شناسی: گیاهان و حیوانات یک سرزمین، آثار باستانی دشت ها و جلگه ها و ... فعل ها بیته الحرام – و آن سنگ ها را بیت الحرام خود قرار داد

(۲) فرهنگ مادی: نیومارک آن را به ۴ دسته تقسیم می‌کند

(۱) مواد غذایی (۲) پوشاک (۳) مسکن ک شهر ها (۴) وسایل نقلیه تلک حجره الملک – (هزار و یک شب) آن اتاق شهريار است

(۳) فرهنگ اجتماعی: واژه های فرهنگی مشخص بیانگر فعالیت های تفریحی و بازی های ملی خاص است. ماذا يقول لک هذه الغریب – این جغد سیاه به تو چه می‌گوید؟

(۴) نهاد ها و آداب و رسوم: سیاسی و مدیریتی، مذهبی و تاریخی، هنری – شریعت بئمنه احلاما؛ با پول آن خواب و خیال هایی خریدیم. (این نوع ترجمه، ترجمه ارتباطی است.)

۵) اشاره ها و حرکات حین سخن گفتن و عادات _ ان کنت ترید الحیاة فاهرب فی الظلام " اگر میخواهی زنده بمانی به تاریکی بگریز (اهرب: گریختن و فرار کردن همراه با ترس)

روش های ترجمه ی عناصر فرهنگی : نیومارک بیش از ۱۵ روش را یاری ترجمه عناصر فرهنگی پیشنهاد می دهد

۱) انتقال : به معنی آوردن کلمه ای از زبان مبدأ به متن زبان مقصد است مثال قبله qeble

۲) بومی کردن : واژه زبان مبدأ را با تلفظ و ریخت طبیعی زبان مقصد مطابقت می دهد مثال ۱ منوچهر "منوتشهر

مثال ۲ اکرام موتک " ترحیم

۳) معادل فرهنگی: ترجمه واژه فرهنگی از زبان مبدأ به مقصد مثل صلاة -- نماز

۴) معادل کارکردی : کارکرد واژه در ترجمه به زبان مقصد لحاظ می شود. وان لابد ان تعود الی اهلها((به خانواده اش رفته ، یا به مردمش یا در واقع به داییش رفته))

۵) معادل توصیفی : در این روش ترجمه ی واژه ها و اصطلاحات به جای ترجمه تحت اللفظی صفت جایگزین می شود . ابن ثعلب؛ حيله گر

ابن حرب: پسر شجاع

۶) مترادف: استفاده از واژه های مترادف در جایی که معادل دقیقی وجود ندارد مثال عش الغرام " خانه و کاشانه عشق

۷) گرده برداری : ترجمه قرضی ، همان ترجمه ی تحت اللفظی است اگر معنای ظاهری یا لغوی زیاد فرق نداشته باشد گرده برداری روش خوبی است.

۸) تغییر یا جایگزینی : تغییر شکل دستور زبان مبدأ در زبان مقصد است مثل تغییر جای صفت با موصوف

مصلی طهران الكبير "مصلای بزرگ تهران"

۹) دگرگون سازی : منظور جایگزینی علت به جای معلول /جز به جای کل / معلوم به جای مجهول .مثال :رزق الوزیره ولد - خداوند به وزیر فرزندی بخشید

۱۰) ترجمه مقبول : اگر ترجمه ای از دید مترجم غیر صحیح بود مترجم نباید داخل متن آنرا تغییر دهد بلکه باید در پاورقی یا خارج متن عدم موافقت خود را اعلام کند.

ترجمه موقت : ترجمه ای موقت برای واژه ای جدید سازمانی که باید آن را داخل گیومه قرار داد تا در فرصت بعدی عوض شود در این شرایط مترجم از ترجمه تحت اللفظی استفاده می کند.

۱۲) جبران

۱۳) تحلیل محتوا

۱۴) کاهش و بسط: گاهی اطلاعات متن ناقص است و یا سنگین است و مترجم از روی تشخیص خود اطلاعات متن ناقص را در ترجمه کامل می کند و یا برای سهولت متن سنگین برخی واژه های آن را ترجمه نمی کند.

۱۵) دیگر نوشت: شرح و توضیح بخشی از متن که این روش معمولاً برای نسخه های قدیمی خطی بی نام توصیه می شود اما برای متون تاریخی هرگز توصیه نمی شود.

۱۶) فرایند تلفیقی: ۲ و ۳ و ۴ روش از روش های ذکر شده را باهم به کار می گیرند برای انتقال و ترجمه ی یک مفهوم فرهنگی مثال- کان یملک الف فدان " هزاران فدان زمین داشت

سپس در پاورقی از روش توضیحی استفاده می کند برای فهم بهتر فدان مقیاس برای مساحت و معادل ۵۰۰ متر مربع است.

با توجه به ارزیابی های این پژوهش، لازم است مترجمان با تمام روش های ترجمه آشنا باشند و با توجه به بافت متن و موقعیت سخن از روش مناسب برای ارائه ترجمه قابل فهم بهره بگیرند.

زندگی نامه جلال آل احمد

جلال آل احمد از برجسته ترین نویسندگان، روشنفکران و منتقدان اجتماعی معاصر ایران است که در سال ۱۳۰۲ در تهران زاده شد و در سال ۱۳۴۸ درگذشت. او در خانواده ای مذهبی پرورش یافت، اما در مسیر زندگی فکری و اجتماعی خود، به شخصیتی مستقل، منتقد و اثرگذار در عرصه فرهنگ و ادبیات ایران تبدیل شد. آل احمد در حوزه های داستان نویسی، مقاله نویسی، ترجمه، سفرنامه نویسی و نقد اجتماعی فعالیت داشت و آثار او بازتاب دهنده دغدغه های عمیق فرهنگی، اجتماعی و تاریخی جامعه ایران در روزگار معاصر است.

آل احمد در نوشته های خود با نگاهی انتقادی به مسائل مهمی چون غرب زدگی، بحران هویت، افول ارزش های بومی، فساد اداری، نابرابری های اجتماعی و گسست های فرهنگی پرداخته است. نثر او صریح، واقع گرا و آمیخته با زبان اجتماعی مردم است و همین ویژگی سبب شده است که آثارش افزون بر ارزش ادبی، از حیث اجتماعی و فرهنگی نیز اهمیت ویژه ای داشته باشند. او با شناخت دقیق از واقعیت های جامعه، توانست در آثار خود تصویری روشن از تحولات فکری و اجتماعی ایران در دهه های میانی قرن چهاردهم شمسی ارائه دهد.

در میان آثار جلال آل احمد، رمان مدیر مدرسه از جایگاهی ممتاز برخوردار است؛ زیرا این اثر تنها یک روایت داستانی نیست، بلکه بازتابی از ساختارهای معیوب اداری، مناسبات قدرت، فشارهای اجتماعی و نابسامانی های فرهنگی جامعه ایران به شمار می آید. آل احمد در این رمان، فضای مدرسه را به منزله نمادی از جامعه برمیگزیند و از خلال آن، بخشی از واقعیت های اجتماعی و تاریخی



عصر خود را به تصویر می کشد. از این رو، شناخت زندگی، اندیشه و جهان بینی جلال آل احمد، برای فهم لایه های فرهنگی و اجتماعی این اثر و نیز تحلیل ترجمه آن، ضرورتی بنیادین دارد.

ویژگی های آثار جلال آل احمد با تأکید بر مدیر مدرسه

آثار جلال آل احمد به طور کلی از رویکردی واقع گرا، انتقادی و اجتماعی برخوردارند و نویسندگان در آن ها می کوشد مسائل و معضلات جامعه ایرانی را با زبانی صریح و بی پرده بازنمایی کند. یکی از مهم ترین ویژگی های آثار او، توجه به واقعیت های اجتماعی و فرهنگی زمانه است؛ به گونه ای که نوشته هایش اغلب بازتاب دهنده بحران هویت، غرب زدگی، فساد اداری، شکاف طبقاتی، تزلزل ارزش های سنتی و نارسایی ساختارهای اجتماعی اند. از این رو، آثار آل احمد تنها جنبه ادبی ندارند، بلکه از منظر جامعه شناسختی و فرهنگی نیز قابل بررسی اند.

از دیگر ویژگی های برجسته آثار او، نثر ساده، روان، زنده و نزدیک به زبان مردم است. آل احمد با پرهیز از تکلف زبانی، فضایی می آفریند که خواننده به راحتی با آن ارتباط برقرار می کند. در عین حال، همین سادگی ظاهری با لایه هایی از نقد اجتماعی، طنز تلخ، کنایه و اعتراض همراه است. او با بهره گیری از بیانی واقع گرایانه و گاه تمثیلی، توانسته است نارضایتی خود را از نابسامانی های جامعه، به ویژه در حوزه های فرهنگی و اداری، به خوبی منعکس کند.

رمان مدیر مدرسه نمونه ای روشن از این ویژگی هاست. این اثر، اگرچه در ظاهر روایت تجربه های یک مدیر در محیط مدرسه است، در لایه های عمیق تر خود تصویری نمادین از جامعه ایران ارائه می دهد. مدرسه در این رمان، صرفاً یک نهاد آموزشی نیست، بلکه بازنمایی فشرده ای از ساختار اجتماعی، اداری و فرهنگی جامعه است. در این اثر، مسائلی چون بوروکراسی، فساد، روابط ناسالم اداری، بی عدالتی، فشارهای اجتماعی و فروپاشی ارزش های اخلاقی به گونه ای برجسته بازتاب یافته اند.

یکی دیگر از ویژگی های مهم مدیر مدرسه، شخصیت پردازی واقع گرایانه و زاویه دید انتقادی آن است. راوی داستان، با نگاهی درون گرا و معترض، حوادث و روابط پیرامون خود را روایت می کند و از خلال تجربه های روزمره، خواننده را با بحران های عمیق تر اجتماعی روبه رو می سازد. همچنین، حضور عناصر فرهنگی و اجتماعی در متن، این اثر را به نمونه ای مناسب برای تحلیل ترجمه، به ویژه در حوزه انتقال عناصر فرهنگ ویژه، تبدیل کرده است.

در مجموع، می توان گفت که آثار جلال آل احمد، به ویژه مدیر مدرسه، به سبب برخورداری از نثر واقع گرا، نگاه انتقادی، بازتاب مسائل فرهنگی و اجتماعی، و استفاده از زبان نزدیک به زندگی روزمره، جایگاهی ویژه در ادبیات معاصر ایران دارند. همین ویژگی ها سبب می شود که بررسی این اثر، نه تنها از منظر ادبی، بلکه از دیدگاه ترجمه پژوهی و مطالعات فرهنگی نیز اهمیت فراوانی داشته باشد.

کاربست نظریه نیومارک در برگردان عربی بخش هایی از مقوله های فرهنگی مدیر مدرسه

تحلیل آکادمیک برای پایان‌نامه	تکنیک نیومارک	معادل (عربی)	مقصد (فارسی)	عنصر مبدأ (فارسی)	مقوله	ردیف
بازنمایی نهادی دقیق برای همخوانی با بافتار زمانی داستان.	معادل تاریخی	إدارة المعارف	اداره فرهنگ	اداری	۱	



۲	اداری	حكم	قرار التعيين	معادل عملکردی	تبدیل اصطلاح ثقیلِ اداری به سندِ حقوقی معادل در سیستم عربی.
۳	اداری	کارگزینی	إدارة شؤون الموظفين	معادل توصیفی	تشریح کارکردِ دپارتمان برای رفع ابهامِ ساختاری نزد مخاطب.
۴	اداری	رئیس فرهنگ	مدير المنطقة التعليمية	معادل عملکردی	بومی سازیِ مسئولیتِ اداری برای درکِ سلسله مراتبِ سازمانی.
۵	اداری	ناظم	ناظر	معادل فرهنگی	بهره گیری از هم ارزیِ واژگانی در سیستم های آموزشی سنتی.
۶	کنش	کیسه را شل کنم	أفتح حافظة نقدی	تعدیل (Modulation)	تغییر کانونِ تصویرسازی (کیسه به کیف پول) برای انتقالِ معنای رشوه.
۷	کنش	دوندگی کردن	الركض وراء المعاملات	گرته برداری	استفاده از استعاره ی «دویدن» که در هر دو فرهنگ بارِ معنایی دارد.
۸	کنش	پارتی بازی	الوساطة	تحلیل محتوایی	تقلیلِ بارِ معناییِ تندِ فارسی به واژه های خنثی و حقوقی.
۹	اصطلاحات	کاسه زیر نیم کاسه	(تعدیل به متنِ صریح)	حذف/تعدیل	اولویتِ «شفافیتِ روایی» بر حفظِ ساختارِ کناییِ پیچیده.
۱۰	اصطلاحات	نوسانِ رأی	يتأرجح بين ۱۲ و ۱۴	گرته برداری	حفظِ دقتِ آماری و انتزاعیِ متنِ اصلی در زبانِ مقصد.
۱۱	فرهنگی	تومان	توماناً	انتقال (Transference)	حفظِ «رنگِ محلی» (Local Color) برای پابندی به جغرافیای داستان.
۱۲	فرهنگی	قرمه سبزی	مرق الخضار	معادل عملکردی	جایگزینی با کلی گویی برای حفظِ درکِ تصویریِ غذا.
۱۳	فرهنگی	آقا (خطاب)	یا سیدی	معادل فرهنگی	حفظِ ساختارِ احترامِ متقابلِ مرسوم در بافتِ ادبیِ عربی.
۱۴	عمومی	وزارت خانه	الوزارة	معادل فرهنگی	استفاده از معادلِ استاندارد برای ساختارِ سیاسیِ مشابه.
۱۵	عمومی	ده سال درس دادن	عشر سنوات تدريس	تحت اللفظی	انتقالِ مستقیم؛ به دلیلِ یکسانیِ مفهومِ آموزشی در دو فرهنگ.
۱۶	عمومی	سیگار	السیجارة	انتقال (وام واژه)	بهره گیری از واژه ی بین المللی برای بازنماییِ کنشِ رئالیستی.

۱۷	شخصیت	نوکر باب می نمود	کان سکر تیر المدرسه	معادل کارکردی	تبدیلِ توصیفِ محاوره ای به نقشِ اداریِ دقیق برای تثبیتِ جایگاهِ شخصیت.
----	-------	------------------	---------------------	---------------	--



۱۸	شخصیت	معلم کلاس اول	مدرس الصف الأول	ترجمه تحت اللفظی	وفاداری کامل به ساختار توصیفی برای حفظ هویت معلم در روایت.
۱۹	توصیف	ریش تراشیده	حلیق بشکل جید	معادل توصیفی	مترجم به جای استفاده از واژه‌ی تک‌کلمه‌ای، وضعیت نظافت را توصیف کرده تا فضای داستان حفظ شود.
۲۰	توصیف	سینه؛ گنجایش نداشت	قفصه الصدری لا يحتوی	گرته‌برداری	انتقال استعاره‌ی فیزیکی «قفسه سینه» برای تأکید بر ضعف جسمانی.
۲۱	شخصیت	چشم‌هایش برق عجیبی داشت	کانت عیونه تصدر بریقاً	معادل‌سازی	انتخاب واژه‌ی «بریق» (درخشش) برای بازتاب بار معنایی «برق چشم» در فارسی.
۲۲	شخصیت	پارتی‌بازی/واسطه	الوساطة	تحلیل محتوایی	تقلیل بار منفی پارتی‌بازی به «الوساطة» برای تطبیق با لحن متن ادبی.
۲۳	کنش	سیگار در جیب	يحتفظ بسجائر في جيبه	انتقال (Transference)	استفاده از واژه‌ی بین‌المللی سیگار برای حفظ واقع‌گرایی (Realism) توصیف.
۲۴	توصیف	مصاب بحول (انحراف چشم)	چشمش پیچ داشت	معادل توصیفی	استفاده از اصطلاح پزشکی دقیق (حول) برای جایگزینی توصیف محاوره‌ای فارسی.

نتیجه گیری

بررسی تطبیقی ترجمه عربی رمان مدیر مدرسه بر اساس نظریه پیتیر نیومارک نشان داد که مترجم در مواجهه با عناصر فرهنگی، اداری و روایی متن، رویکردی صرفاً واژه‌به‌واژه نداشته، بلکه متناسب با بافت هر بخش از متن، از راهبردهای متنوع و هدفمند بهره گرفته است. در بخش‌های اداری و نهادی، ترجمه بیش از همه بر معادل‌سازی کارکردی و بومی‌سازی استوار بوده است تا ساختارهای خاص نظام آموزشی و بوروکراسی ایرانی برای خواننده عرب‌زبان قابل فهم و طبیعی جلوه کند. در مقابل، در توصیف شخصیت‌ها، فضاها و لحن روایی، مترجم بیشتر به ترجمه توصیفی، گره‌برداری و تعدیل گرایش داشته تا رئالیسم اجتماعی و لحن گزنده و انتقادی جلال آل احمد حفظ شود. همچنین در مواردی که با عناصر فرهنگی بی‌همتا یا اصطلاحات محلی روبه‌رو بوده، با انتقال یا توصیف معنایی کوشیده است میان وفاداری به متن مبدأ و روانی متن مقصد تعادل برقرار کند.

از این‌رو می‌توان گفت ترجمه عادل عبدالمنعم علی از مدیر مدرسه نمونه‌ای موفق از ترجمه‌ای مخاطب‌محور اما وفادار به روح متن است؛ ترجمه‌ای که نه در دام تحت‌اللفظی‌گرایی افتاده و نه متن را تا حدی بومی کرده که هویت فرهنگی آن از میان برود. مهم‌ترین دستاورد این ترجمه، انتقال صرف واژه‌ها نیست، بلکه بازآفرینی فضای فرهنگی، اضطراب بوروکراتیک، و لحن انتقادی اثر در زبان مقصد است. بنابراین، این پژوهش نشان می‌دهد که ترجمه ادبی موفق، زمانی تحقق می‌یابد که مترجم بتواند میان بیگانه‌بودن متن مبدأ و طبیعی‌بودن متن مقصد تعادلی هوشمندانه برقرار کند؛ تعادلی که در ترجمه این رمان، به‌ویژه در بخش‌های فرهنگی و اداری، به‌خوبی قابل مشاهده است.

منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۶۲). مدیر مدرسه، تهران: رواق.
- آل احمد، جلال (۲۰۰۱). مدیر/المدرسة، ترجمه عادل عبدالمنعم سویلم، قاهره: المجلس الأعلى للثقافة.
- انوشیروانی، علیرضا (۱۳۹۱). «ادبیات تطبیقی و ترجمه‌پژوهی»، ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۵، صص ۷-۲۵.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- ایوب، ولادیمیر (۱۳۷۰). «روش‌های ترجمه عناصر متفاوت فرهنگی»، ترجمه سید محمد رضا هاشمی، شماره ۲، صص ۱۴-۳.
- پراور، زیگبرت سالمن (۱۳۹۳). درآمدی بر مطالعات ادبیات تطبیقی، ترجمه علیرضا انوشیروانی و مصطفی حسینی، تهران: سمت.
- ترکاشوند، فرشید و قائمی، نجمه (۱۳۹۶). «چالش‌های بافت فرهنگی در ترجمه ادبی از فارسی به عربی: با تمرکز بر گلستان سعدی و روضة الورد»، دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۷، شماره ۱۷، صص ۷۹-۹۷.
- داود، محمد محمد (۲۰۰۳). معجم التعبير الاصطلاحي فی العربية المعاصرة، قاهره: دار غریب.
- درگاهی ترکی، امیرحسین و حدادی، محمدحسین (۱۳۹۷). «ضرورت و بررسی راهکار انتقال توانش بین فرهنگی به دانشجویان رشته مترجمی زبان آلمانی دانشگاه تهران»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۵۰۷-۵۲۸.



• رحیمی خویگانی، محمد (۱۳۹۶). «ترجمه عربی مقوله های فرهنگی داستان فارسی «شکر است» از محمدعلی جمال زاده بر اساس نظریه نیومارک»، *دوفصلنامه پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، سال ۷، شماره ۱۷، صص ۱۲۵-۱۴۷.

«اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۱) بررسی ترجمه ی عربی عناصر فرهنگی داستان مدیر مدرسه با تکیه بر نظریه ی نیومارک»

شاتلورت، مارک، و کاوی، موری (۱۳۸۵). *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ترجمه*. ترجمه فرزانه فرحزاد و دیگران. تهران: یلدا قلم.

طیبیان، حمید (۱۳۷۸). *فرهنگ فرزاد*. تهران: فرزاد.

علیزاده، علی (۱۳۸۹). «مقوله ها و عناصر فرهنگی و چگونگی ترجمه آن ها در گتسبی بزرگ». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، شماره ۵۹، ۷۴-۵۳.

کزازی، میرجلال الدین (۱۳۷۴). *ترجمانی و ترزبانی: کندوکاوی در هنر ترجمه*. تهران: جامی.

محمدی، اویس، بشیری، علی، و فرامرزی، زین العابدین (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمانی تغییر عناصر فرهنگی - اجتماعی در ترجمه». *دوفصلنامه پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، سال ۷، شماره ۱۷، ۷۸-۵۵.

Baker, M. (2018). *In Other Words: A Coursebook on Translation*. Routledge.

Bassnett, S. (2013). *Translation Studies*. Routledge.

Gentzler, E. (2001). *Contemporary Translation Theories*. Multilingual Matters.

Hatim, B., & Mason, I. (1997). *The Translator as Communicator*. Routledge.

House, J. (2015). *Translation Quality Assessment: Past and Present*. Routledge.

Munday, J. (2016). *Introducing Translation Studies: Theories and Applications*. Routledge.

Newmark, P. (1988). *A Textbook of Translation*. Prentice Hall.

Nord, C. (2018). *Translating as a Purposeful Activity: Functionalist Approaches Explained*. Routledge.

Toury, G. (2012). *Descriptive Translation Studies and Beyond*. John Benjamins.

Venuti, L. (2017). *The Translator's Invisibility: A History of Translation*. Routledge.